

پیشگامان تحول در موسیقی ایران

علی محمد رشیدی

۴۴۲

اگر بتوان سرآغازی برای تحول در موسیقی ایران ذکر کرد، آن سرآغاز سال ۱۳۰۳ هجری شمسی است. در این سال علینقی وزیر فرزند انقلاب مشروطیت مدرسه عالی موسیقی را تأسیس کرد و اولین کنسرت خود را در همین مدرسه به اجرا گذارد و در آغاز اجرای کنسرت چنین اظهار داشت: «... حال برای نمونه چند قطعه از آهنگهایی را که ساخته‌ام برای شما می‌نوازم، تا بدانید موسیقی ما منحصر نیست به پیش‌درآمد و تصنیف و رنگ که تا بحال معمول بوده است. قطعاتی که هم اکنون نواخته می‌شود به سبک جدیدی است که برای پیشرفت و توسعه موسیقی وطنی در نظر گرفته‌ام.» سرگذشت موسیقی ایران، ج ۲، ص ۸. بدین ترتیب اولین گام برای تحول در موسیقی ایران برداشته شد و اکنون که بیش از هفتاد سال از آن تاریخ می‌گذرد، موسیقی ایران فراز و نشیب‌ها و دگرگونی‌های بسیار به خود دیده است و آهنگسازان با نحوه دید و نگرش‌های مختلف آثاری در زمینه موسیقی علمی و هنری ایران خلق کرده‌اند که ادبیات موسیقایی این سرزمین را پربار کرده است. متأسفانه در سالهای اخیر به دلایل گوناگون، نام و آثار آهنگسازان پیشگام در تحول موسیقی ایران به فراموشی سپرده می‌شود. آهنگسازانی که در شرایط سخت و دشوار چراغ موسیقی علمی و هنری ایران را روشن نگاه داشته‌اند. این نوشته ادای دین به هنرمندانی است که فارغ از جریانه‌های چپ و راست و شمال و جنوب فقط به موسیقی ایران و اعتلاء آن دل بسته بودند:

علینقی وزیر ۱۲۶۵-۱۳۵۸

وزیری، بزرگ‌مرد تاریخ موسیقی ایران است. او ردیف موسیقی سنتی را نزد میرزا عبدالله فراگرفت و



• زنده‌یاد علی‌ق‌ی وزیر و نمونه‌ی اعضا (۱۲۶۵-۱۳۵۸)

نخستین و آخرین نوازنده‌ای بود که بدون واسطه و در حضور استاد هفت دستگاه و آوازهای متعلق به دستگاه‌ها را به‌خط نوت نوشت. وزیر پس از تحصیلات مقدماتی موسیقی به اروپا رفت و سه سال در فرانسه و دو سال در آلمان موسیقی علمی را آموخت و در سال ۱۳۰۲ به ایران بازگشت. در سال ۱۳۰۳ اولین کنسرت‌ها را برای عموم اجرا کرد. در سال ۱۳۰۷ مدرسه موسیقی دولتی را تحویل گرفت و همین مدرسه است که بعدها به نام هنرستان عالی موسیقی (کنسرواتوار) نامیده شد. وزیر تا سال ۱۳۱۲ که به دستور رضاشاه از کار برکنار شد شاگردان بسیار تربیت نمود و آهنگهای بسیار ساخت. او یک نظام تئوریک برای موسیقی ایران وضع کرد. علامت «سری» و «کرن» و همچنین گام بیست و چهار ربع پرده را که بیان‌کننده فواصل خاص موسیقی ایران است ابداع کرد و برای نشان دادن تحریرها و تکیه‌ها علامتی انتخاب نمود. وزیر پیرامون دستگاه‌های موسیقی ایران تحقیقات گسترده‌ای انجام داد و گام هر دستگاه را بنا به نظریه خود تشریح کرد. ترجمه بسیاری از اصطلاحات موسیقی بین‌المللی که امروزه رایج است از جمله دیگر کارهای او است. وزیر افکار و عقاید خود را با صراحت بیان می‌کرد و باکی از آفرین و نفرین کسان نداشت. به جملات زیر که برگرفته از یک خطابه که در سال ۱۳۰۴ می‌باشد، گویای این مدعا است: «... موسیقی معاصر عبارتست از یک سلسله آهنگهای بازاری که به‌عنوان پیش‌درآمد و تصنیف و رنگ معمول است. آواز هم اکثراً یک طرز سوگواری است که می‌توان یادگار مصائب گذشته دانست... اما انتقاداتی که به من می‌کنند یکی اینست که می‌گویند: فلان کس موسیقی ایران را از بین می‌برد. بفرمائید ببینم کدام موسیقی را؟ اگر مقصودتان موسیقی مجالس کیف است که این خود خدمتی است.»



○ زنده یاد حسین ناصحی (۶ مهر ۱۳۵۶-۱۳۰۴)



○ روح الله خالقی - طرح از مرتضی ممیز

وزیری آثار بسیاری برای ارکستر و همچنین تار و ویولن نوشته و تألیفاتی درباره آموزش موسیقی نظری و آوازشناسی دارد. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که اندیشه‌ها و کارهای وزیری باید در معرض نقد علمی قرار گیرد. نقد آثار وزیری از موضع تعصب و جهالت و کهنه‌اندیشی کار نابخردانه‌ای است و راه به‌جائی نمی‌برد.

روح‌الله خالقی ۱۲۸۵-۱۳۴۴ گاه‌نگار ادبی و مطالعات فرهنگی

روح‌الله خالقی فرزند معنوی و شاگرد خلف و ادامه‌دهنده راه وزیری و خود منشأ خدمات ارزنده و ماندگار برای موسیقی ایران شده است. خالقی در مکتب وزیری درس خواند و یار و یاورش بود. آثار و نوشته‌های خالقی بسیار است از جمله: ۱- سرگذشت موسیقی ایران (۳ جلد). از تألیف دو جلد آن بارها به‌چاپ رسیده و امیدواریم که جلد سوم آن نیز منتشر گردد. ۲- نظری به موسیقی (۲ جلد) جلد دوم نظری به موسیقی که در سال ۱۳۱۶ منتشر گردید، حادثه‌ای تاریخی در زمینه ادبیات نظری موسیقی ایران بود. خالقی در این کتاب گامها و مقامات موسیقی گذشته و امروز ایران را بررسی می‌کند و نظریات بدیع و تازه‌ای را مطرح می‌نماید. خالقی در سال ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را تأسیس کرد. تأسیس هنرستان موسیقی ملی فرصتی طلایی برای دست‌اندازان موسیقی ایران بود. در این هنرستان هنرجویان بسیاری تربیت شدند که امروز اساتید موسیقی ملی ایرانند. خالقی آثار زیبایی برای ارکستر و آواز نوشته که اکثرأ اجرا شده و امروز باید به‌عنوان بخشی از میراث موسیقی نوین ایران از این آثار یاد کرد.

پرویز محمود (فرزند محمود محمود مورخ و محقق و مؤلف تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس) در سال ۱۳۱۸ پس از اتمام تحصیلات موسیقی در رشته کمپوزیسیون از بروکسل به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۵ به ریاست اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی منصوب گردید. پیش از این تاریخ، محمود با کمک یکی از انجمن‌های فرهنگی خارجی یک ارکستر تشکیل داد. این ارکستر در سالن دبیرستان البرز برنامه‌های متنوعی اجرا می‌کرد. محمود در سال ۱۳۲۵ این ارکستر را توسعه داد و به صورت ارکستر سمفونیک درآورد. در حقیقت محمود پایه‌گذار ارکستر سمفونیک تهران است. پرویز محمود شخصیت والایی داشت و دارای مطالعات عمیق در ادبیات و فلسفه بود. اولین اثری که نوشت نوز بود. نوز یک تم ایرانی نداشت، ولی دارای جنبه‌های شرقی بود. محمود در اوائل کار آهنگسازیش تحت تأثیر آثار ریمنسکی کورساکف آهنگساز نام‌آور روس بود و معتقد بود، حال که موسیقی ایرانی علمی و متدیک نشده و معمای فواصل خاص موسیقی حل نگشته؛ باید با مطالعه در آثار کورساکف و دیگر آهنگسازانی که در زمینه موسیقی شرقی کار کرده‌اند و همچنین تلفیق ویژه آکوردها، حالات موسیقی ایرانی را به‌شونده القاء کنیم. از کارهای دیگر محمود، کنسرتو ویولن، فانتزی کرد و پوئم سمفونیک لاله می‌باشد. اثر اخیر تحت تأثیر نوول لاله اثر صادق هدایت نوشته شده است. از کارهای جالب محمود سوئیت مهرگان می‌باشد. در این اثر دو تم متضاد شنیده می‌شود. شروع قطعه تم آرام و عمیقی دارد که با دو ساز کر نواخته می‌شود و در قسمت دوم تم تند و شادی بخشی به وسیله ساز ابوا و تیمپانی به گوش می‌رسد. محمود در این اثر دو مهرگان را مجسم می‌کند: مهرگانی که در ایران باستان برگزار می‌شد و از یک عظمت بربادرفته حکایت می‌کند و مهرگانی که در زمان ما برگزار می‌شود و از مطرب توی کوچ‌ها حکایت می‌کند.

محمود یکی از منتقدان سرسخت و آشتی‌ناپذیر علینقی وزیری بود و تئوریهای او را به‌دیده شک و ناباوری می‌نگریست و حتی پس از سالها دوری از وطن و اقامت در آمریکا در رساله دکترای خود چنین می‌نوشت: «... وزیری سعی کرد که مسئله به اصطلاح ربع پرده را با تقسیم کردن یک اکتاو به بیست و چهار فاصله ربع پرده مساوی حل نماید... با این کار در حقیقت گام معتدل شده غربی را پذیرفت و در آن به‌طور تصنعی هر فاصله نیم پرده را به دو بخش مساوی تقسیم کرد...». محمود در سال ۱۳۲۸ به آمریکا مهاجرت کرد و پس از مدتی در یکی از دانشگاههای آن دیار به تدریس پرداخت و متأسفانه با مهاجرت به‌دیار غریب از ریشه‌کننده شد و خلاقیت او خشکید. از سر نوشت او اطلاع تازه‌ای در دست نیست.

حسین ناصحی ۱۳۰۴ - ۶ مهر ۱۳۵۶

حسین ناصحی در سال ۱۳۰۴ در یک خانواده هنردوست به دنیا آمد. مادرش از شاگردان درویش‌خان بود. ناصحی پس از طی تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۱۸ در هنرستان عالی موسیقی ثبت نام کرد و در رشته ترومبون زیر نظر استادان چک مشغول تحصیل گردید. در سال ۱۳۲۲ جهت ادامه تحصیلات



پرویز محمود

عازم کشور ترکیه شد و در کنسرواتوار آنکارا رشته کمپوزیسیون را اختیار کرد و پس از شش سال موفق به اخذ دیپلم عالی این رشته گردید. در سال ۱۳۲۸ به میهن خود بازگشت و به تدریس رشته کمپوزیسیون در هنرستان عالی موسیقی پرداخت. بعضی از آثار ناصحی بدین قرار است: ۱- کوارتت در می مینور ۲- پونم در شور برای ویولن سل و پیانو ۳- آواز بی گفتار برای ارکستر ۴- دو قطعه برای رقص تحت عنوان در بارگاه شاه سمنگان برای آواز و ارکستر ۵- اوورتور رستم و سهراب. ناصحی در تمام سالهای فعالیت هنری خویش سرگرم تحقیق درباره موسیقی ایران بود و نظریات تازه‌ای در این زمینه ارائه کرد. از آن جمله: «... ما مدارک زنده‌ای از موسیقی قدیم کلاسیک ایرانی در دست نداریم... و نیز منابع ما فقط چهارپنج نفر استادان قدیمی هستند. بدیهی است وقتی منبع و ماخذ موسیقی ملتی محدود به وجود چند نفر استاد قدیمی شد، خطر اضمحلال این چنین موسیقی بسیار زیاد است.» ناصحی عقیده داشت که: «شور ما در تمام دستگاهها و تنالیت‌های ایرانی است و به خوبی می‌تواند چندصدائی شود و برای ارکستر تنظیم گردد. برای چندصدائی کردن موسیقی ایرانی لازم است که به حرکات نوت‌های این دستگاه اهمیت داده شود... ما بعد از استماع این دستگاه می‌بینیم که نوت‌های اول و چهارم هر کدام از دانگ‌های گام شور می‌تواند جزو هارمونی تونیک قرار گیرد... گرچه ممکن است این موسیقی که با اصول هارمونی فوق نوشته شود در وهله اول به گوش بیگانه باشد... ولی پس از چندی به گوش آشنا خواهد شد.» این سخن ناصحی همان تئوری هارمونی به اصطلاح زوج است که به وسیله کسانی در بوق و کرنا دمیده شد و نامی از ناصحی برده

نشد. بی شک نسل جدید موسیقیدانان تحصیل کرده کشور که با اصول علمی دست به کار آهنگسازی هستند، نام و یاد حسین ناصحی را که در تنهائی چشم از دنیا فرو بست، فراموش نخواهند کرد.

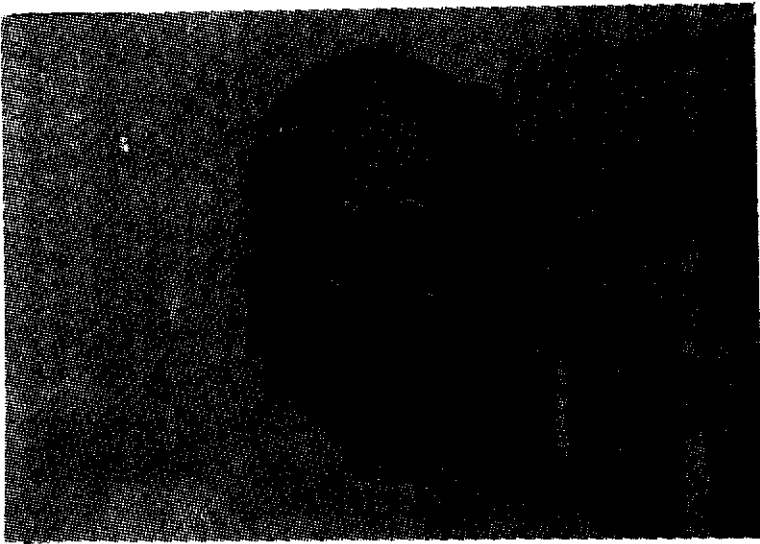
ثمین باغچه‌بان

باغچه‌بان در سال ۱۳۰۴ در تهران زاده شد و تحصیلات ابتدائی را در تهران تمام کرد و در هنرستان عالی موسیقی تحصیل موسیقی را آغاز کرد و بعد از اخذ دیپلم متوسطه از هنرستان در سال ۱۳۲۲ همراه با حسین ناصحی به ترکیه رفت و در کنسرواتوار آنکارا در رشته آهنگسازی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۸ پس از فارغ‌التحصیل شدن به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی تدریس رشته آهنگسازی را به عهده گرفت. آثار باغچه‌بان عبارتند از: شش قطعه برای آواز روی اشعار باباطاهر. باغچه‌بان نام ریاضی را به آوازهایش داده است و معتقد بود که فورم ابداعی رباعی به غیر از لیدها و آریاهای موسیقی کلاسیک است. ۲- سه قطعه برای گروه همسرایان: گل گندم، نوروز، قفس نقره ۳- چند قطعه برای پیانو، ۴- بومی‌وار برای ارکستر و...

باغچه‌بان درباره موسیقی ایران چنین اظهار نظر داشت: «... در مورد موسیقی ایران اشتباهی هست که باید این اشتباه را تذکر داد و آن اینست که ما هر وقت از موسیقی ایرانی صحبت و یا بحث می‌کنیم، نقطه نظر ما دستگاهها و آوازهایی است که در تهران و حومه رواج دارد. در اینجا می‌خواهم بگویم که آیا آذربایجان از ایران جداست؟ آیا کردستان و لرستان از ایران جداست؟ ما باید موسیقی تمام ملت ایران را مورد توجه قرار دهیم. راهی که من و ناصحی برای موسیقی ایران در نظر گرفته‌ایم، راهی ابتکاری به مفهوم مطلق آن نیست. پیشرو ما در این راه بلابارتوک موسیقیدان بزرگ مجار می‌باشد که از کارهایش الهام می‌گیریم».

هوشنگ استوار

استوار در سال ۱۳۰۶ در تهران در یک خانواده موسیقیدان چشم به جهان گشود و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر به پایان رسانید. استوار تا هفده سالگی با موسیقی سروکار نداشت و در این سن نیاز به فراگیری موسیقی را در خود احساس کرد. یکسال با پرویز محمود کار کرد و در سال ۱۳۲۵ در کنسرواتوار بروکسل در رشته آهنگسازی به تحصیل پرداخت و پس از شش سال در این رشته فارغ‌التحصیل شد. استادان استوار سارلی و آندره سوری بودند. متد هارمونی سارلی سالها در کنسرواتوارهای اروپا تدریس می‌شد و آندره سوری از آهنگسازان برجسته اروپا بود. استوار توانست در بین هنرجویان همکلاس خود، رتبه دوم را حائز شود و جایزه Premier Prix را بگیرد. استوار در سال ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی تدریس هارمونی را به عهده گرفت. استوار آثار ارزنده‌ای برای سازهای مختلف و ارکستر نوشته که از آن جمله‌اند: ۱- سوئیت ایرانی برای ارکستر در سه بخش - مقدمه، آواز، رنگ ۲- دو نکتورن برای پیانو ۳- اجاق سرد با شعر نیما یوشیج برای صدای سوپرانو و پیانو ۴- شب خیام برای دو ویولن، ویولن آلتو، ویولن سل و پیانو ۵- لالائی برای کودکان امروز با شعری از احمد شاملو برای آواز و...



• حسین دهلوی

استوار درباره موسیقی ایرانی چنین عقایدی داشت: «... موسیقی ایران از موسیقی دنیا جدا نیست، عده‌ای سعی دارند که یک خندق و حشتناک بین موسیقی ایران و موسیقی دنیا حفر کنند و موسیقی شرق و غرب را ضد یکدیگر جلوه دهند. من این روش را نمی‌پسندم. البته این موضوع واضح است که یک آهنگساز ایرانی هیچگاه موسیقی اسکاتلندی نخواهد نوشت و یک آهنگساز روس یک اثر صددرصد ایرانی به‌وجود نخواهد آورد. یک آهنگساز ایرانی این آب‌وهوا را می‌یابد، احساسات ایرانی دارد. به گذشته خود، به حال خود و به آینده خود از نظر یک ایرانی می‌نگرد...».

حسین دهلوی

دهلوی در سال ۱۳۰۶ متولد شد. ابتدا موسیقی را نزد پدرش که از شاگردان خوب علی‌اکبر شهنازی بود آغاز کرد و چند سال نزد موسیقیدان برجسته ایران، ابوالحسن صبا، به فراگیری این هنر پرداخت. سپس برای آموختن قواعد آهنگسازی با حسین ناصحی کار کرد. پس از گذراندن دوره عالی هنرستان موسیقی در رشته آهنگسازی نزد پرفسور توماس کریستین داوید استاد آکادمی وین به تکمیل اطلاعات خود پرداخت و دو سال برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کشورهای آلمان و اتریش رفت. در سال ۱۳۳۶ پس از درگذشت صبا رهبری ارکستر شماره یک هنرهای زیبا را به عهده گرفت و از شهریورماه ۱۳۴۱ رئیس هنرستان موسیقی ملی شد و مدت ده سال این مسئولیت را به عهده داشت. این دوره یکی از دوره‌های درخشان در زمینه آموزش و پرورش موسیقیدانان بود.

دهلوی از هنرمندانی است که با تمام وجود به موسیقی ایران عشق می‌ورزد. او از سازهای اروپائی و هم از سازهای ایرانی در آثار خود استفاده می‌کند و ایرانی‌ترین آهنگساز تحصیل‌کرده این دیار است. آثار او بسیار است که از آن جمله‌اند: ۱- دو نوبه برای سنتور در سه گاه ۲- سبکبال در شور برای ارکستر ۳- شور آفرین در ابو عطا ۴- کنسرتینو برای سنتور و ارکستر ۵- فانتزی برای تمبک و ارکستر بر اساس ریتم‌هایی از حسین تهرانی ۶- شوشتری برای ویولن و ارکستر ۷- قطعه‌ای به نام سرباز برای آواز گروهی و ارکستر ۸- سوئیت برای ارکستر زهی ۹- اپرای کودکان ۱۰- سوئیت بیژن و منیژه و... دهلوی اکثر آثار خود را به چاپ رسانده و این خود خدمتی است به ادبیات مکتوب موسیقائی این ملک. آخرین کار درخشان و درخور ستایش دهلوی تشکیل ارکستر بزرگ سازهای مضرابی و اجرای چند برنامه توسط این ارکستر بود. این ارکستر خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود. حیف... تجربه خوبی بود و می‌توانست محدودیت‌ها و امکانات سازهای مضرابی را در عرصه موسیقی جمعی بنمایاند.

نظر کلی دهلوی درباره موسیقی ایران را می‌توان در این جملات یافت: «... به نظر من موسیقی ایرانی از نظر کارا کتر و حالت در بیشتر قسمت‌ها محزون است و این به دلیل گذشته تاریخی ما است. به هر حال موسیقی هم، چون هنرهای دیگر باز تاب احساس جامعه است و وقتی جامعه‌ای با مسائل و رویدادهای دردناکی مواجه می‌شود، باز تاب این تأثیرات را... به خصوص در موسیقی‌اش می‌توان یافت. به همان اندازه که سوز دل و جگر سوختگی و ناراحتی در اشعارمان داریم، شاید کمی بیشتر در موسیقیمان داریم. بهمین دلیل بار عاطفی غم و اندوه در موسیقی ایران زیاد است و این مسئله وقتی صورت حاد پیدا می‌کند که مثلاً می‌خواهیم برای کودکان موسیقی بسازیم. در اینجا موسیقی ما زمینه درستی نمی‌دهد که با روحیه کودک تطابق پیدا کند. در موسیقی‌های صحنه‌ای هم وقتی که از درد و رنج و اندوه سخن می‌گوئیم، می‌توانیم از موسیقی ایرانی بهره بگیریم، ولی اگر نوع احساس عوض شود و بخواهیم از مسائل دیگر که مورد نیاز صحنه است اثری تصنیف کنیم، ناچار از موسیقی ایرانی دور خواهیم شد... بسیاری از مسائل تکنیکی هستند که موسیقی ایرانی امکاناتی برای اجرای آنها ندارد، در نتیجه ما ناچاریم از روند کلی موسیقی در جهان برای رفع این مشکلات بهره بگیریم.»